بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد مرتد 1](#_Toc427990943)

[مرور بحث گذشته 1](#_Toc427990944)

[حمل حبس بر مرتد فطری 2](#_Toc427990945)

[بررسی حمل فوق 2](#_Toc427990946)

[مناقشه در استدلال فوق 2](#_Toc427990947)

[بقاء سایر احکام مرتد در قبال زن 2](#_Toc427990948)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc427990949)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc427990950)

[تحدید زمانی برای اجرای حد 3](#_Toc427990951)

[بررسی سندی روایت 3](#_Toc427990952)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc427990953)

[تعدد یا وحدت استتابه 4](#_Toc427990954)

# حد مرتد

# مرور بحث گذشته

در جلسه گذشته در قبال این مطالب صحبت شد که ادله‌ای که در باب ارتداد زن واردشده است با ادله‌ای که در قبال مطلق ارتداد واردشده است، نسبت عموم و خصوص من وجه دارند. در این باب دو گروه از روایات وجود داشت که در وهله اول متعارض نشان می‌دهد که یک گروه در قبال زن مرتد قائل به حبس و دیگری قائل به قتل بود، البته شهرت با طایفه اول بود و در مورد بخش دوم تنها یک روایت معتبره وجود داشت که از حیث محتوایی از جهات عدیده درباره آن مناقشه صورت گرفت.

در این بیان مباحثی نیز در مورد توبه زن مرتد وجود داشت که توبه او چه با ادله خاصه‌ای که در این باب واردشده و چه با ادله عمومی توبه قابل‌پذیرش خواهد بود.

## حمل حبس بر مرتد فطری

این بحث در تفسیر الشریعه، صفحه سیصد و نودونه و هفت‌صد، مسالک و جواهر نقل‌شده است. در کلمات ایشان این احتمال ذکرشده است که حکم حبس ابد که در روایت بیان‌شده برای مرتد زن فطری بوده و معنایش این است که توبه او قبول نمی‌شود.

## بررسی حمل فوق

برای حمل فوق دلیل روشنی وجود ندارد، اما می‌تواند به‌عنوان یک وجه و جمع در این باب مطرح گردد. و قرینه و دلیلی برای این جمع وجود ندارد. ممکن است کسی بگوید که زن در روایات بعد از مرد است و مردی که روایات ذکرشده است، مراد از آن مرتد ملی است، پس اینجا نیز باید بر ملی حمل شود.

## مناقشه در استدلال فوق

تنها شاهدی که می‌توان برای این ادعا ذکر کرد این است که قرینه در این سیاق بر این امر دلالت دارد که جمله دوم نیز لابد برای مرتد ملی است. اما در حقیقت سیاق قرینیتی ندارد، ثانیاً در خود مرتد فطری نیز این شبهه وجود دارد که توبه‌اش موردقبول واقع نشود.

### بقاء سایر احکام مرتد در قبال زن

سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که حکم قتل ثابت درباره مرتد در اینجا به حبس تبدیل شد، اما در قبال احکام سه‌گانه دیگر حکم به چه صورت خواهد بود؟

ممکن است کسی چنین برداشت داشته باشد که روایات در مقام بیان و حصر احکام زن مرتد است، لذا وقتی در اینجا به حبس اکتفا شد و مازاد بر آن حکمی ذکر نگردید، غیرازاین حکم ، حکم دیگری برای او نخواهد بود. اما در مقابل ممکن است نظر دیگری وجود داشته باشد که ما مطمئن هستیم در مورد احکام ذکرشده برای مرد مرتد خصوصیتی که مایز بین زن و مرد باشد وجود ندارد، لذا آن احکام را با الغای خصوصیت بدین جا نیز تعمیم می‌دهیم.

### اتخاذ مبنا

اما در حقیقت وجهی برای الغای خصوصیت در این مقام وجود ندارد و هیچ‌یک از فقهای ما نیز به این الغای خصوصیت تفوه ننموده است چراکه در این روایات در قبال ذکر و حتی اسم او چیزی ذکر نشده است. بلکه در اینجا حکم تعبدی بوده و با استحسانات نمی‌توان به مناط احکام دست یافت.

### نتیجه‌گیری

بنابراین تاکنون نتیجه بحث این شد که اگر مرد ارتداد پیدا کند، در فطری و ملی احکام خاص خود را دارد و بنا بر اظهر توبه آن‌ها موردقبول واقع می‌شود. در قبال زن نیز غیر از حبس احکام دیگر وجود ندارد و نمی‌توان آن‌ها را به او تسری داد. مدت‌زمانی نیز که باید صبر نمود تا توبه او احراز شود، مدت‌زمانی عرفی است و لازم نیست چندین روز حکم بدین خاطر به تعویق بیفتد. به‌عبارتی‌دیگر مراد از فوریت در اجرای حکم فوریتی عرفیه است.

#### تحدید زمانی برای اجرای حد

روایتی در باب سه از ابواب حد مرتد، حدیث پنج، صفحه پانصد و چهل‌وهشت وجود دارد که در آن مدت‌زمان صبر برای اجرای حد را سه روز قرار داده است؛

**«سَهْلُ بْنُ زِیادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِک عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع الْمُرْتَدُّ تُعْزَلُ عَنْهُ امْرَأَتُهُ وَ لَا تُؤْکلُ ذَبِیحَتُهُ وَ یسْتَتَابُ ثَلَاثَةَ أَیامٍ فَإِنْ تَابَ وَ إِلَّا قُتِلَ یوْمَ الرَّابِعِ.»[[1]](#footnote-1)**

#### بررسی سندی روایت

دلالت این روایت واضح است، اما سند این روایت هم در کافی، هم در استبصار و هم در من لایحضر واردشده است. در سند مرحوم کلینی سهل بن زیاد و محمد بن حسن و شمعون‌اند که ضعیف هستند. در سند شیخ در تهذیب و استبصار باز سهل بن زیاد وجود دارد که اختلافی است و معمولاً می‌گویند ضعیف است. اما سند مرحوم صدوق به سکونی سند معتبری است، و ازاین‌جهت است بنا بر نقل مرحوم صدوق این روایت موردقبول است.

#### اتخاذ مبنا

لذا ازآنجایی‌که این روایت مطابق باقاعده درع است، طبق آن باید عمل شود. بنابراین تا سه روز به او مهلت داده می‌شود و فتوای مشهور نیز بنا بر همین است.

#### تعدد یا وحدت استتابه

اینکه در طول این سه روز چند بار باید از او استتابه نمود، در روایات وجود ندارد و ظاهرش این است که با یک‌بار صدق می‌کند و تکرارش لزومی ندارد، البته جایز است.

1. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ ج 4، ص: 254 [↑](#footnote-ref-1)